حادثه‌ها

پرونده قتل وحید مرادی به دادسرا برگشت

● پرونده قتل وحید مرادی، قاتلی که پس از دستگیری و در زندان رجایی‌شهر به قتل رسید، مجددا برای رفع ایرادات به دادسرای امور جنایی تهران ارسال شد تا تحقیقات درباره آن کامل شود.

به گزارش تسنیم، پرونده قتل وحید مرادی که در تابستان سال ۹۷ در زندان و در جریان یک درگیری به قتل رسید، پس از صدور کیفرخواست، به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و قضات شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران، در بهمن‌ماه ۹۸ سعید را به قصاص محکوم کردند. پرونده با اعتراض متهم به دیوان عالی کشور ارسال شد که دیوان عالی کشور ایراداتی به پرونده وارد دانست و پرونده در شهریور ۹۹ مجددا به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

در ادامه، مجددا با اعتراض متهم به حکم صادره، پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد که دیوان این‌بار نیز ایراداتی به پرونده وارد دانست و پرونده بابت رفع ایرادات به دادسرای امور جنایی ارسال شد تا تحقیقات در این پرونده کامل شود.

وحید مرادی ۲۶ اردیبهشت ۹۷ در نزاعی یکی از دوستانش را به قتل رساند و بعد از فرار در ۵۰۰ متری مرز ترکیه بازداشت شد.

وحید پس از بازداشت، به زندان رجایی‌شهر انتقال یافت. تا اینکه در روز ۱۱ تیر ۹۷ حین هواخوری در زندان رجایی‌شهر کرج به قتل رسید.

بررسی‌های اولیه نشان داد که وحید مرادی با سلاح دست‌ساز به قتل رسیده است. کارآگاهان در ابتدا چند متهم را در پرونده قتل وحید مرادی شناسایی کردند تا اینکه فردی به نام سعید به‌عنوان متهم اصلی قتل وحید شناخته شد.

سعید در یک پرونده دیگر مرتکب قتل شده و رضایت گرفته بود. متهم، قتل وحید مرادی را این‌گونه بازگو کرد: «آن روز بعد از دو هفته ماندن در سوئیت آگاهی به زندان برگشتم. حین بازگشت به زندان، حمام و آرایشگاه رفتم. بعد به من گفتند به هواخوری بروم. در هواخوری بودم که یکدفعه دعوا و درگیری شد. خبر نداشتم که چند روزی بوده بین زندانیان دعوا شده است.

بعدا فهمیدم که چند نفر از دوستان من با وحید مرادی و دوستانش از چند روز قبل کل‌کل و درگیری داشتند. در هواخوری که بودیم در نزاع شرکت نکردم.

من وحید مرادی را دورادور می‌شناختم. اسمش را شنیده بودم و می‌دانستم خیلی شاخ است. اما با او روبه‌رو نشده بودم و هیچ خصومت و درگیری‌ای با او نداشتم.

هواخوری تمام شد و ما به بند برگشتیم. وحید و دوستانش طبقه بالای ما در یک بند دیگری بودند.

یکدفعه آمدند پشت در بند ما و یکی از هم‌بندی‌های ما هم در را باز کرد. آنها به ما حمله کردند. روی ما آب جوش و روغن داغ می‌ریختند. یکی از آنها روی من آش داغ پاشید و روی هم تیزی کشیدیم. قصد نداشتم او را بکشم. در آن دعوا من تیزی خوردم و ضربه هم زدم».

شهادت مأمور پلیس با ۲ گلوله سارقان

شرق: کارآگاهان جنایی پلیس پایتخت در تعقیب سارقان مسلحی هستند که شامگاه شنبه یک مأمور پلیس را با شلیک گلوله به شهادت رساندند و فرار کردند.

به گزارش خبرنگار ما، از چند روز قبل درپی وقوع چندین فقره سرقت منزل در محدوده کلانتری گاندی، دستگیری عاملان این سرقت‌ها به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران کلانتری قرار داده شد و مأموران در تلاش بودند تا ردی از عاملان این دزدی‌ها به دست بیاورند و آنها را دستگیر کنند. تلاش‌های پلیس برای ردیابی سارقان ادامه داشت تا اینکه در ساعت ۲۲:۱۰ شامگاه شنبه، مأموران واحد گشت کلانتری ۱۰۳ گاندی هنگام انجام مأموریت به یک دستگاه خودروی وانت در خیابان جردن مظنون شدند. از آنجا که احتمال داشت سرنشینان این خودرو با دزدی‌های اخیر مرتبط باشند، یکی از مأموران برای بررسی موضوع به خودرو نزدیک شد. در همین هنگام راننده وانت به محض مشاهده مأمور کلانتری، به‌سرعت از محل متواری شد. مأموران کلانتری که دیگر تردیدی نداشتند با افرادی خلافکار مواجه شده‌اند، اقدام به تعقیب خودرو کردند. راننده وانت بدون توجه به اخطارهای پلیس با سرعت زیاد به فرار ادامه می‌داد و سعی داشت راه گریزی پیدا کند، اما بعد از چند دقیقه وانت در گره ترافیکی گیر افتاد و متوقف شد. در شرایطی که دیگر راه فراری برای مظنونان باقی نمانده بود، استوار طاهری از خودروی گشت پیاده شد تا سراغ وانت برود و به بررسی موضوع بپردازد، اما هنوز به این اتومبیل نرسیده بود که از پشت هدف گلوله قرار گرفت و غرق در خون بر زمین افتاد. همکار استوار طاهری در این لحظه مشاهده کرد گلوله ازسوی سرنشینان یک خودروی مشکی‌رنگ شلیک شده است. ضاربان و همچنین وانت‌سواران بعد از این تیراندازی به‌سرعت محل حادثه را ترک کردند و گریختند. از سویی مأمور مجروح کلانتری گاندی که هدف دو گلوله قرار گرفته بود، به بیمارستان انتقال یافت. اگرچه پزشکان تلاش خود را برای نجات جان این مأمور به کار بستند، در نهایت او به دلیل جراحات وارده و شدت خون‌ریزی به شهادت رسید.

پس از آن، پرونده‌ای ویژه در این زمینه تشکیل شد و اکنون تحقیقات برای دستگیری ضاربان در جریان است. آن‌طور که به نظر می‌رسد، سرنشینان خودروی مشکی که از همدستان وانت‌سواران بودند، در جریان تعقیب‌وگریز دنبال راهی برای فراری‌دادن هم‌جرمان خود بودند و در نهایت دست به اسلحه بردند و این جنایت را رقم زدند. استوار طاهری در حالی به شهادت رسید که روز نهم مرداد نیز یک سرباز کلانتری شهدا به نام عبدالجبار مختوم‌زاده، با ضربات چاقوی یک متهم به شهادت رسید. عامل آن جنایت خیلی زود دستگیر شد و به جرمش اعتراف کرد. این متهم سارقی سابقه‌دار است که به اتهام دزدی دستگیر شده بود. او که اکنون در بازداشت به‌سر می‌برد، گفته است: آن روز صبح سرباز وظیفه من و متهم دیگری را به دادسرای جشنواره منتقل کرد. قاضی، متهم اولی را آزاد کرد و برای من هم صد میلیون تومان وثیقه نوشت که به‌همراه سرباز به کلانتری برگشتیم. در نزدیکی کلانتری به سرباز گفتم گرسنه‌ام و از او خواستم برای من ساندویچ فلافل بخرد که او قبول کرد و هر دو از تاکسی پیدا شدیم. او دستبند مرا از دستش باز کرد و به دست خودم زد و کیسه لوازم جرم من را که چاقو هم داخل آن بود، به دستم داد و سفارش ساندویچ داد. قرار بود ساندویچ بگیریم و به کلانتری ببریم و آنجا بخوریم. درحالی‌که او مشغول سفارش بود، وسوسه شدم فرار کنم؛ به همین دلیل از فرصت استفاده کردم و کلید پابند را مخفیانه برداشتم و پابندم را باز کردم و چاقویم را از داخل کیسه برداشتم و داخل جیبم گذاشتم. وقتی ساندویچ را گرفتیم و به طرف کلانتری به راه افتادیم، ناگهان شروع به دویدن کردم که سرباز وظیفه هم پشت‌سرم دوید و مدام دستور ایست می‌داد، اما من تصمیم خودم را گرفته بودم و به فرار ادامه دادم تا اینکه او به من رسید و مرا گرفت و وقتی می‌خواست دستبند بزند، چاقو را از جیبم بیرون آوردم و به او ضربه زدم. از کوچه‌ها خودم را به خیابانی رساندم و آنجا خودروی دربستی به مقصد خاتون‌آباد پاکدشت کرایه کردم. برای اینکه راننده به من شک نکند، باند کتفم را باز کردم و روی دستبند کشیدم که فکر کند دستم زخمی شده است. در خاتون‌آباد قیچی آهن‌بری خریدم و دستبندم را بریدم و از آنجا دوباره راهی خانه‌ام در کرج شدم. می‌دانستم مأموران خیلی زود رد مرا می‌زنند؛ به همین خاطر سوار موتورسیکلت سرقتی که در خانه داشتم شدم و به خیابان آمدم و در نهایت هم ساعت ۹:۳۰ همان شب شناسایی و دستگیر شدم.

در همان روز نهم مرداد یک مأمور پلیس در دزفول نیز در درگیری با سارقان مسلح به شهادت رسید. در زمان حادثه افراد مسلح در محور شوش- دزفول به سمت گشت خودرویی پاسگاه صفی‌آباد تیراندازی کردند که درپی آن سجاد دالمن جان باخت. تحقیقات برای دستگیری عاملان آن تیراندازی مرگ‌بار نیز همچنان ادامه دارد.

قتل دوست صمیمی با وسوسه سرقت

شرق: مرد معتادی که در قتلی خشن دوستش را کشته و جسدش را دفن کرده بود، پای میز محاکمه می‌رود. به گزارش خبرنگار ما، متهم در حالی قرار است در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شود که معاون رئیس قوه قضائیه درخواست دیه را مطرح کرده است. اردیبهشت سه سال قبل زنی با مأموران پلیس تماس گرفت و از مفقودشدن شوهرش خبر داد. این زن توضیح داد ساعاتی است که با شوهرش تماس می‌گیرد اما نمی‌تواند با او صحبت کند و تلفن همراه شوهرش خاموش است. این زن که به پلیس آگاهی رفته بود، به مأموران گفت: من و همسرم، ژرژ، از اقلیت‌های مذهبی هستیم. همسرم صبح به قصد رفتن به ویلای‌مان در کرج از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. هرچه با گوشی موبایل او تماس گرفتم، کسی پاسخ نداد. من که نگران شده بودم از دوست صمیمی همسرم خواستم به ویلای ما سر بزند، اما او پس از سرکشی به ویلا گفت از آنجا سرقت شده است و خبری از ژرژ نیست.

با شکایت این زن، مأموران پلیس پیگیر پرونده شدند و دریافتند ژرژ آخرین‌بار با یکی از دوستانش که مرد ۴۰ساله‌ای به نام امین است، تماس تلفنی داشته است. با ردیابی تماس‌های تلفنی قربانی، امین که سابقه اعتیاد داشت، بازداشت شد ولی ادعا کرد از سرنوشت دوست ارمنی‌اش هیچ اطلاعی ندارد. این مرد در بازجویی‌های بعدی به قتل و سرقت از ویلای دوستش در کرج اعتراف کرد.

امین گفت: من ۱۵ سال است نقاش ساختمان هستم. زندگی خوبی داشتم و صاحب یک دختر و پسر ۹ و ۱۷ساله هستم، اما از یک سال قبل که معتاد شدم زندگی‌ام خراب شد و حالا شش ماه است همسر و فرزندانم مرا ترک کرده‌اند و در خانه تنها زندگی می‌کنم. متهم درباره نحوه آشنایی با مقتول گفت: شش ماه قبل برای خرید شیشه پیش یکی از دوستانم رفته بودم که با ژرژ آشنا شدم. او هم مانند من به شیشه اعتیاد داشت و گاهی اوقات در ماشین او با هم مواد می‌کشیدیم. من می‌دانستم او وضع مالی خوبی دارد، به همین خاطر به او نزدیک شدم و پس از چند ماه به خدمتکار او تبدیل شده بودم و کارهایش را انجام می‌دادم. ژرژ هر کاری داشت به من می‌گفت. من هم از این وضعیت ناراحت نبودم، چون می‌دانستم مواد می‌کشد و هر بار که دچار مشکل شوم، می‌توانم از او مواد بگیرم. به همین خاطر اعتراضی نمی‌کردم. ضمن اینکه ژرژ هم دوست داشت با من در ارتباط باشد. همسرش نسبت به موادکشیدن او حساس بود و ژرژ هم دوست داشت با من وقت بگذراند، اما متوجه رفتاری از او شدم که خیلی من را ناراحت کرد. این متهم در ادامه ادعاهای عجیبی مطرح کرد و گفت: مدتی بود متوجه شده بودم ژرژ به ناموسم چشم دارد و قصد دارد به همسرم نزدیک شود. به همین خاطر از او ناراحت بودم. او حرف‌های ناشایستی می‌زد. روزی از یک دست‌فروش ناشناس مقداری زیورآلات به ارزش ۳۷۰ هزار تومان خریدم و آنها را به خانه بردم. آن روز با ژرژ تماس گرفتم و به او گفتم برای بررسی طلاها به خانه‌ام بیاید. ژرژ به خانه‌ام آمد و به بررسی طلاهای قلابی پرداخت. او یکباره عصبانی شد و گفت سرم کلاه گذاشته‌اند و آنها بدل هستند. او شروع به فحاشی کرد و به پدر مرحومم فحش می‌داد. من از شنیدن حرف‌هایش عصبانی شدم و به یاد حرف‌های گذشته او افتادم. می‌خواستم او را از خانه بیرون کنم که باهم گلاویز شدیم و در پله‌ها با میلگرد یک ضربه به پشت‌سرش زدم. او در پله‌ها سقوط کرد و جان سپرد. سپس جسد را در پتو پیچیدم و آن را زیر پله‌ها دفن کردم. متهم در ادامه اعترافاتش گفت: من و ژرژ آن روز هر دو شیشه مصرف کرده بودیم و حال طبیعی نداشتیم. بعد از دفن جسد، گوشی موبایل، سوئیچ خودروی سوناتا و و کلید باغ را برداشتم. با خودروی او به ویلایش در کرج رفتم و همه اموال آنجا را سرقت کردم و آن را به یکی از دوستانم به نام ساسان فروختم. به دنبال اعتراف‌های این مرد، بقایای جسد از زیر پله‌های خانه متهم کشف و ساسان نیز به اتهام خرید اموال مسروقه بازداشت شد.

همسر ژرژ به ادعاهایی که متهم نسبت به شوهرش مطرح کرده بود، واکنش نشان داد و گفت: ژرژ مرد خوبی بود. ما با هم اختلاف خاصی نداشتیم. اینکه گفته می‌شود همسرم معتاد بود و به ناموس دیگران نظر داشت، حرف خیلی غلطی است. او مرد خوبی بود و زندگی مشترکمان را دوست داشت. در این مدت هم من با همسرم مشکلی نداشتم. از وقتی با متهم دوست شده بود، بیشتر وقتش را با او می‌گذراند و دلش برای او می‌سوخت؛ چون همسر و فرزندانش ترکش کرده بودند. ما اصلا همسر متهم را ندیده بودیم. این حرف‌ها درباره شوهرم اصلا درست نیست. من شکایت و درخواست مجازات دارم. از آنجایی که مقتول ولی‌دم نداشت، دادسرا از رئیس قوه قضائیه خواست درخواستی ازسوی دادگاه مطرح کند.

درحالی‌که معاون رئیس قوه قضائیه درخواست دیه را مطرح کرده بود، پرونده به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا به اتهام امین رسیدگی شود.

کلاهبرداری میلیاردی ضامن قلابی

شرق: مردی که با ارائه ضمانت‌نامه‌های جعلی برای دریافت وام یا آزادی متهمان دست به کلاهبرداری ۱۰ میلیارد ریالی زده است، به همراه دو زنی که همدستش بودند، دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار ما، کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی از اردیبهشت تلاش خود را برای دستگیری این کلاهبردار آغاز کردند. آنها درپی اعلام گزارش‌هایی مطلع شدند فردی با حضور در دادسراها، خانواده زندانیان را شناسایی می‌کند و بعد از نزدیکی به آنها با این ادعا که می‌تواند با ارائه ضمانت‌نامه زمینه آزادی متهمان را فراهم کند، طعمه‌هایش را فریب می‌دهد. متهم بعد از اغفال سوژه‌های خود از آنان پول می‌گرفت و مدارک جعلی برای ضمانت به آنها ارائه می‌داد.

کارآگاهان پلیس با تحقیقات وسیعی که انجام دادند، هویت متهم را شناسایی کردند و توانستند رد او را پیدا کنند. در نهایت مرد جاعل درحالی‌که برای ضمانت یک متهم به دادسرا رفته و در حال انجام کارهای مربوطه بود، با هماهنگی مقام قضائی بازداشت شد. متهم وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، به جرائمی که انجام داده بود اعتراف کرد و گفت دو زن نیز در این کلاهبرداری‌ها با او همکاری داشتند و آنها غیر از خانواده متهمان از متقاضیان دریافت وام که به ضامن نیاز داشتند نیز کلاهبرداری می‌کردند.

سرهنگ سعید دالوند، رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران، با بیان اینکه در عملیات دیگر پلیسی دو همدست متهم در مخفیگاهشان در محدوده سعادت‌آباد دستگیر شدند، افزود: در بازرسی از مخفیگاه متهمان بیش از ۷۰ برگ جعلی مربوط به سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشف شد.

این مقام انتظامی گفت: تاکنون متهمان به ۵۰ فقره کلاهبرداری با ادعای ضمانت دریافت وام و آزادی متهمان اعتراف و کارشناسان ارزش ریالی اموال کلاهبرداری‌شده را ۱۰ میلیارد ریال اعلام کرده‌اند. بنا بر این گزارش، متهمان به مرجع قضائی معرفی شده‌اند و تحقیقات از آنها همچنان ادامه دارد.

رخداد

پایان تلخ رابطه مجازی

● رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات پایتخت از شناسایی و کشف پرونده‌ای با موضوع هتک حیثیت و انتشار تصاویر خصوصی در شبکه‌های اجتماعی خبر داد. سرهنگ داوود معظمی‌گودرزی در تشریح این خبر اظهار کرد: دختر جوانی به پلیس فتای پایتخت مراجعه کرد و مدعی شد فردی ناشناس در فضای مجازی اقدام به انتشار تصاویر خصوصی وی کرده و موجب برهم‌زدن آرامش روانی او و خانواده‌اش و هتک حیثیتش شده است.

او بیان کرد: شاکی در ادامه اظهاراتش عنوان کرد در فضای مجازی با شخصی آشنا شدم و قصد ازدواج داشتیم و به دلیل جدی‌بودن این رابطه به این فرد اعتماد کردم و به دلیل اعتماد بیش‌ازحد، تصاویر شخصی خودم را در اختیار او قرار دادم اما بعد از مدتی به دلایل شخصی به این ارتباط پایان دادم و پس از آن هرروز از طرف یک شماره ناشناس تهدید می‌شدم تا اینکه متوجه شدم تمام تصاویر خصوصی‌ام در گروه‌های خانوادگی و دوستانه‌ای که در شبکه اجتماعی واتس‌اپ داشتیم، پخش شده است. وی افزود: افسران سایبری پلیس فتای پایتخت اقدامات خود را آغاز کردند و پس از مطالعه اظهارات شاکی و بررسی همه جوانب پرونده موفق شدند ردپای مجرم را شناسایی و او را دستگیر کردند. سرهنگ گودرزی بیان کرد: متهم پس از روبه‌رویی با شاکی لب به اعتراف گشود و اظهار کرد قصد ازدواج با شاکی را داشتم اما او با بهانه‌های بی‌منطق دیگر به ارتباط با من ادامه نداد و من هم برای تلافی و انتقام از وی تصاویر خصوصی‌اش را در شبکه‌های اجتماعی پخش کردم.

کلاهبرداری با ترفند فروش لوازم آرایشی بهداشتی

● گرداننده یک صفحه اینستاگرامی که تحت عنوان فروش لوازم آرایشی از صد شهروند کلاهبرداری کرده بود، دستگیر شد.

سرهنگ موسوی، رئیس پلیس فتای غرب استان تهران گفت: شخصی به پلیس فتا مراجعه کرد و مدعی شد فردی ناشناس از طریق یک صفحه اینستاگرامی و فروش لوازم آرایشی بهداشتی از وی کلاهبرداری کرده است. شاکی در ادامه اظهار کرد: در فضای مجازی به دنبال خرید لوازم آرایشی بودم که با یک صفحه اینستاگرامی که تصاویری از لوازم آرایشی گران‌قیمت برای فروش گذاشته بود، برخورد کرده و به علت فروش فوری و احتمال خرید آن محصول توسط فردی دیگر، بدون توجه به اطمینان از هویت گردانندگان این صفحه اینستاگرامی و تبلیغات فریبنده آن، محصولی را به ارزش ۱۷۵ میلیون ریال خریداری کرده و بعد از واریز مبلغ متوجه کلاهبرداری شدم.

سرهنگ موسوی اظهار کرد: با انجام اقدامات تخصصی هویت ادمین صفحه برای پلیس محرز شد و با هماهنگی مقام قضائی، مجرم در شهر تهران دستگیر و به پلیس فتای غرب استان تهران منتقل شد.

وی افزود: متهم پس از حضور در پلیس فتا اعتراف کرد با راه‌اندازی یک صفحه اینستاگرامی به بهانه فروش لوازم آرایشی، تصاویر لوازم آرایشی مختلف را با عنوان تصاویر اختصاصی خود در صفحه بارگذاری می‌کرده و مراجعه‌کنندگان را با ترفند فروش فوری، ترغیب به پرداخت مبلغ قبل از ارسال کالا می‌کرده و پس از واریز وجه، دیگر پاسخ‌گوی تلفن نبوده است.

سرهنگ موسوی ادامه داد: تاکنون صد نفر از شکات پرونده در سراسر کشور شناسایی شده‌اند.

جدول ۴۰۱۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بازیگر مرد فیلم‌های مسیر سبز و نجات سرباز رایان- کاخ عالی‌قاپو در اصفهان به دستور وی ساخته شد ۲- دومین حرف یونانی- کتاب زرتشت- جد بنی‌اسرائیل ۳- نامی پسرانه- احساسات خود را ابراز نمی‌کند- غربال ۴- خوشبخت- نزدیک‌ترین سیاره به خورشید- ماکارونی رشته‌ای ۵- گل همیشه عاشق- برابر- شکوه و جلال ۶- رطوبت- فرورفتن خورشید در افق- مشتری ۷- نوعی تسهیلات بانکی-ام‌الشرائین- جاسوس و خبرچین ۸- تعظیم- نزدیک‌ترین کشور آفریقایی به اروپا- پروردگار ما ۹- خلاص و نجات- آستانه- تنها ۱۰-عصیان‌کردن- حیرت‌انگیز- روز گذشته ۱۱- باران اندک- دانش و آگاهی- علم اعداد ۱۲- دانش‌ها- نوعی پارچه کلفت- مرغ چمن ۱۳- پرهیزکار- کتاب ترسایان- مبتکر ۱۴-باز کردن- عطر مایه- لغزنده ۱۵- طی‌کردن و پیمودن- غذایی گیلانی

عمودی:

۱- لبخند ملیح- خدمتکار- کاشف اشعه ایکس ۲- داستان کوتاهی نوشته آنتوان چخوف- برس چارپایان ۳- گذشته، سابق- رمانی نوشته رضا امیرخانی- مبنای سنجش ۴- درازگوش- شجاع- حیوان وحشی ۵- برکت سفره- چین و چروک پوست- نوعی سقف شیب‌دار ۶- کجاست- سالنامه- از پوشاک مخصوص بانوان ۷- رخوت- غذایی از سبزیجات پخته و ماست- جاوید زنده مانم اگر ... من شوی ۸- آماسیدگی- عقیده- ورزش توپ و راکت ۹- مسرور- تلاشگر- قسمتی از جمجمه ۱۰- شهری در شهرستان رفسنجان- دانش‌آموز- دل‌آزار کهنه ۱۱- وضعیت شلوغ و آشفته- انکارکردن- بافتن ۱۲- تکرار حرفی- ملاقات- مقدس و ممنوع ۱۳- خواروبار فروش- مربوط به ادبیات- گمراهی ۱۴- نخست- سرمربی تیم ملی فوتبال هلند ۱۵-سهل‌انگار و سر به‌هوا- رهسپار- ارتعاش

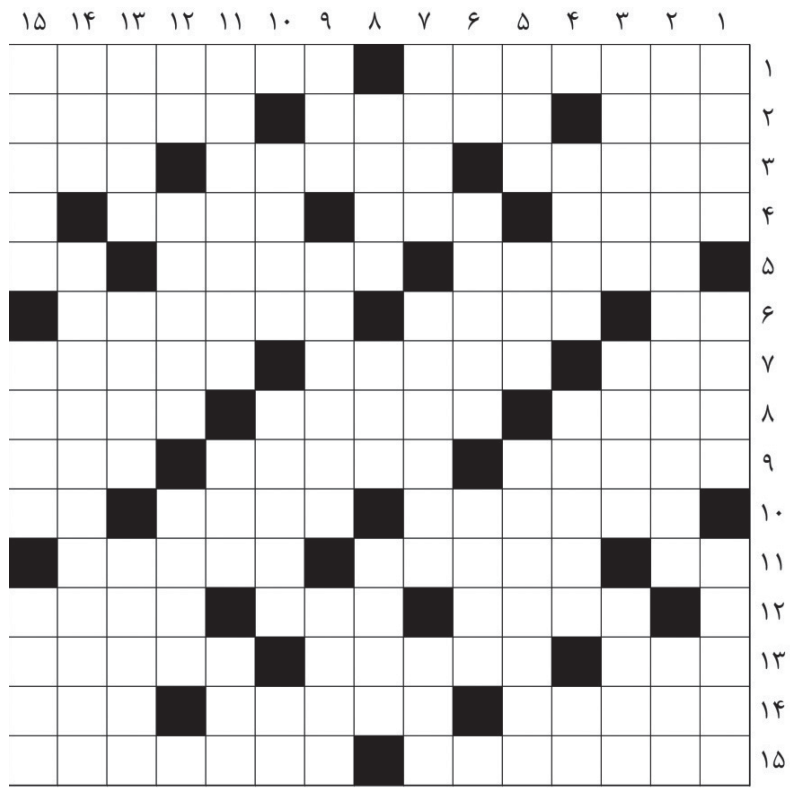

حل سودوکو سخت

۷	۲	۴	۹	۸	۳	۶	۱	۵
۸	۱	۹	۵	۷	۶	۲	۴	۳
۶	۳	۵	۱	۲	۴	۷	۸	۹
۹	۸	۳	۲	۴	۱	۵	۶	۷
۲	۷	۶	۳	۵	۸	۱	۹	۴
۵	۴	۱	۷	۶	۹	۸	۳	۲
۱	۵	۸	۴	۹	۲	۳	۷	۶
۳	۹	۲	۶	۱	۷	۴	۵	۸
۴	۶	۷	۸	۳	۵	۹	۲	۱

حل سودوکو ۳۰۰۸

۲	۶	۹	۸	۳	۵	۴	۷	۱
۸	۵	۱	۴	۶	۷	۹	۲	۳
۷	۴	۳	۲	۱	۹	۵	۸	۶
۵	۲	۴	۱	۷	۶	۸	۳	۹
۱	۹	۶	۵	۸	۳	۲	۴	۷
۳	۷	۸	۹	۴	۲	۶	۱	۵
۴	۳	۷	۶	۵	۸	۱	۹	۲
۶	۱	۲	۳	۹	۴	۷	۵	۸
۹	۸	۵	۷	۲	۱	۳	۶	۴

جدول ۴۰۱۲

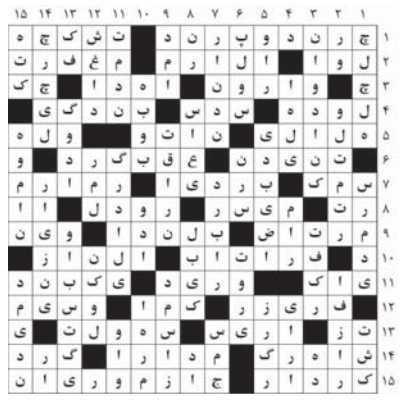

سودوکو سخت ۳۰۰۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۹				۶			۴
		۸				۶		۷
		۲			۷			
۱				۹	۸			۵
	۸						۳	
۷			۶	۴				۲
			۱			۹		
۶		۱				۲		
۹			۵				۴	

سودوکو ساده ۳۰۰۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۴	۲			۵	۸	۷	۱
۸	۹							۶
	۵			۲				
۵	۷		۱		۳	۶		۹
۱								۷
۴		۹	۲		۶		۱	۸
				۵			۸	
۹							۶	۲
۳	۸	۷	۹			۱	۴	